

عنوان مقاله:

لغت سازی در شعر فارسی

محل انتشار:

دومین کنگره بین المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسانی و اسلامی (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

نویسندگان:

عنایت الله شریف پور - دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

مسعود باقری - دانشیار روانشناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

فرح ابوطالبی - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

خلاصه مقاله:

درک و دریافت جدید، زبان جدید می طلبد، پس شاعر، بی زبان ترین انسان است و بایست. خود به خلق زبان و ساخت لغت دست یازد؛ لغت های جدیدی که گاه با یک حرف و گاه با ده ها واژه ساخته می شوند. هر چه لغتی دورتر و منفصل تر از واژگان پیشین باشد، شعرتر است. شاعر که تاریخ را در خود دارد، با نظر به آینده، زبانی می سازد که با نور خلاقیت روشن شده است و این نور واژگان کهن را از تاریکی مرگ و نیستی بیرون آورده و به آنها هستی می بخشد. با شعر، لغت زنده می شود. گمان می رود زبان فارسی رو به نابودی و نیستی است و تجویزهای فرهنگستانی و استقراض واژگان زنده دنیا این زبان را از مرگ نجات نخواهد داد. آنچه به زبان حیات می بخشد، شعر است؛ شعری که هستی را به درون زبان بکشد. شاعر به هستی گوش می سپارد و دریافت های او از هستی، لغت می شوند و زبان می سازند. شاعران زبان فارسی نیز در طول تاریخ با شعرسرایی ها و لغت سازی ها، این زبان را زنده و پویا نگه داشته و وسعت بخشیده اند. اما امروزه دیگر کمتر شاهد شعرسرایی و لغت سازی در این زبان هستیم چرا که انسجام و بافت سخت زبان فارسی اجازه فراروی و نوآوری در این عرصه را نمی دهد.

کلمات کلیدی:

فهم، ذهن، لغت، شعر، زبان، خلاقیت.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1118301>

